

## پیشخوان

به بهانه انتشار اثر تاریخی «درباره شهید نواب صفوی» از سوی استاد سید هادی خسروشاهی

## حاشیه و متن یک جنبش اسلامی

■ **سید محمود خسروشاهی**

کتابی که هم‌اکنون در معرفی آن به خوانندگان ارجمند جوان سخن می‌رود، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای روزنامه‌ها و نشریات مختلف با والد ماجد، استاد سیدهادی خسروشاهی است که

موضوع همه آنها فعالیت و نوع مبارزه فدائیان اسلام و نقش شهید نواب صفوی در این حرکت بنیادین تأثیرگذار است.

در واقع این مجموعه شامل بخش‌هایی از خاطرات مستند والد ماجد در باره حوادث دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت و نوع فعالیت‌های فدائیان اسلام در صحنه سیاسی کشور و نقش آنها در به پیروزی رساندن ملی شدن صنعت نفت به گواهی شاهدان عینی و عاصری است که خود حضور چشمگیر در عرصه اقدامات داشتند و به همین دلیل در ضمن مجموعه «خاطرات مستند» ایشان منتشر می‌شود. البته این خاطرات علاوه بر مسائل سیاسی روز مربوط به آن برهه و دوران پیش از آغاز نهضت شامل مسئله فعالیت فدائیان اسلام در حوزه علمیه قم و برخورد مراجع و علمای بزرگ و فضلا و طلاب حوزه علمیه قم با این جریان هم است.

استاد سیدهادی خسروشاهی قبل از ورود به حوزه علمیه قم از زمان اقامت در تبریز با این جریان اسلامی در تماس و ارتباط بودند و پس از حضور در قم و ادامه تحصیلات در حوزه علمیه قم به‌طور عینی و عملی از جریان این اقدامات قرار می‌گیرند و خود به‌عنوان یک طلبه نوجوان هوادار حرکت فدائیان اسلام شاهد حوادث گوناگون و

■ **علی احمدی فراهانی**

**مقالی که پیش‌روی دارد، گزارشی از مواجهه یکی از عالمان بزرگ و متنفذ شهر شیراز، یعنی مرحوم آیت‌الله سیدمحمدطاهر طاهری با ژنرال سر پرسی سایکس نماینده تام‌الاختیار دولت بریتانیاست که در واقع پرشی از تار پنبه‌مبارزت مردم این سامان علیه استعمار انگلستان در طول مدت حیات آن به شمار می‌رود. امید آنکه تاریخ پژوهان و علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.**

■ ■ ■

در سال ۱۲۳۰ه‍.ق برابر با سال ۱۹۲۹ه‍.ش، ژنرال سرپرسی سایکس، یکی از فرماندهان عالی‌رتبه نظامی انگلیس، به عنوان نماینده تام‌الاختیار دولت بریتانیا در ایران و مخصوصاً خطه فارس – که در مستحکم آنان بود – به شیراز آمد و حکومت نالایق وقت، میرزا حسنعلی فرمانفرما و والی فارس، دستور استقبال و بسیج عمومی برای استقبال و احترام به او را صادر کرد.

■ **آیت‌الله طاهری استقبال از سایکس را تحریم کرد**

مرحوم آیت‌الله سیدمحمدطاهر طاهری شیرازی با درک ماهیت استعماری این تصمیم و آگاهی از برنام‌های ضد اسلامی و اتسانی استعمار بریتانیا – که قصد داشت با اعزام نمایندگان همچون سایکس به ایران، موجبات گسترش نفوذ سیاسی خود را هر چه بیشتر فراهم آورد و شکست سخت خویش در اجاری تحریم تنباکو را به گونه‌ای دیگر جبران نماید – در راستای مقابله با این توطئه و خنثی کردن طرح‌های استعماری دولت بریتانیا، به‌ویژه در منطقه حساس فارس، با تکیه بر نیروی ایمان و سلاح کارآمد دین، به مصافی شدید برخاست. او برای روشنگری در افکار عمومی، به انتشار اعلامیه‌ای دست‌نویس مبادرت کرد که طی آن، هر گونه شرکت در استقبال از این ژنرال انگلیسی را در حکم «مبارزه با قرآن و اسلام» (عج) دانست. در این اعلامیه چنین آمده است: «… مردم متدین و شریف شیراز استعمار انگلیس که به قصد سلطه‌جویی و سیطره بر بلاد اسلامی هر روز دست به کاری می‌زند و نقشه جدیدی را اجرا می‌کند و به انحای مختلف سعی دارد بر همه شیون مسلمانان مسلط شود و در آن دخالت کند، اینک می‌خواهد نماینده تام‌الاختیاری را به فارس بفرستد تا با استقرار وی در این منطقه نه‌تنها در شئون فارس، بلکه در همه امور کشور دخالت کند. مع‌الاسف نشیده شده است حکومت نالایق فرمانفرما، این نوکر خارجی‌ها از شما مردم خواسته است از او استقبال کنید. شما اهالی شریف شیراز بدانید هر گونه شرکت

## تاریخ

کفت‌وگو ۸۸۴۹۸۴۷۹



گزارشی تاریخی از مواجهه آیت‌الله سیدمحمدطاهر طاهری با نماینده دولت انگلیس

# مبارزه، تبعید و پیروزی

در این امر در حکم محاربه با خدای متعال جلت عظمته و صاحب شریعت مقدسه اسلام و جنگ با

امام زمان (ارواحنا له‌الفداء) است. لذلک مبادرت به این عمل حرام مؤکند و باید از این امر خودداری و جلوگیری کرد و همگی طبقات شریف مردم سعی کنند از ورود و دخالت خارجی‌ها عم از انگلیسی‌ها و روس‌ها در شئون بلاد‌تان چه امور دینی و چه غیر دینی جلوگیری کنند و مسلماً امام زمان (سلام‌الله علیه) شما را کمک می‌فرماید: لَا تَزْكُوا إِلٰهِي الْاٰذِيْنَ ظَلَمُوْا فَمَتَّسِكُمْ التَّارُوْا مَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِ اِلٰهِ مِنْ اَوْلِيَاۗةٍ ثُمَّ لَا تُنْفَرُوْنَ. الاحقر محمد طاهر الموسوی»

آن بزرگوار شب هنگام، دو فرزند برومند خود، یعنی مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدجعفر طاهری – که در آن وقت ۲۶ سال سن داشت – و مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالله شیرازی را – که در آن زمان ۲۱ ساله بود –

به همراه مستخدم مخصوص خود مشه‌دی علی‌اصغر، مأمور پخش و چسباندن اعلامیه دست‌نویس مزبور بر در و دیوار شهر کرد. آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی با کمال جرئت و بزرگی خاص خویش، چهار نسخه از اعلامیه را در تاریکی شب، بر دو در باغ ایالتی – که مقر حکومت فرمانفرما و از حفاظت کامل مأموران برخوردار بود – چسبانید!

■ **خودداری مردم از استقبال نماینده انگلستان**

صبح طبق برنامه طراحی شده از قبیل، گروه‌هایی از مردم آماده شرکت در مراسم استقبال از ژنرال انگلیسی بودند که با اعلامیه کوبنده و شدیدالحن مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمد طاهر طاهری در نقاط مختلف شهر روبه‌رو شدند. آنان بلافاصله دست از کار کشیدند و بازارها را تعطیل کردند، به‌طوری‌که جز چند دکان نانوایی، مغازه‌ای در شهر باز نماند!

مردم در کوچه و بازار با دادن شعار و نقل کردن مضمون اعلامیه آیت‌الله، مراتب تفر و انزاج خود را از این مهمان ناخوانده ابراز کردند. در نتیجه غیر از عده قلیلی از افراد ارتش و معدودی از کارمندان ادارات، از دیگر اقسام مردم شیراز، کسی در مراسم استقبال از ژنرال سرپرسی سایکس شرکت نکرد.

وقتی سایکس با تمام رفتار تبخترآمیز خویش وارد شیراز شد و به‌رغم آنچه از طبقات گوناگون مردم، استقبالی پرشکوه را انتظار داشت، با موج تظاهرات و مخالفت آنان روبه‌رو شد. او در میان استقبال‌کنندگان، از بدنه مردم شخصی را ندید و از همین روی، جو‌بای چند و چون ماجرا شد.

■ **نماینده انگلستان دستور تبعید آیت‌الله را صادر می‌کند**

فرمانفرما جریان موضعگیری سرسختانه مرحوم

آیت‌الله سیدمحمد طاهر طاهری و حکم به حرمت استقبال از وی را طی اعلامیه‌ای بازگو کرد. سایکس که از شنیدن این خبر شدیداً عصبانی شده بود، کنترلش را از دست داد و با لحن تندی خطاب به میرزا حسینعلی فرمانفرما گفت: «اینان که اینچنین علیه مصالح و منافع بریتانیای کبیر قد علم، و جرئت کرده‌اند علناً با ما مخالفت کنند، باید هر چه زودتر سرکوب شوند!» سپس دستور فرورفت. پس از آن آیت‌الله سید محمد طاهر را – که محور اصلی این قیام و آشوب علیه بریتانیا و نماینده‌اش بوده است – دستگیر و اعدام کردند!

فرمانفرما با اینکه خود از عوامل مورد اعتماد دولت انگلیسی بود و سعی می‌کرد خواسته‌های آنها را جامه عمل بپوشاند، در برابر این دستور، شدیداً وحشت زده و مضطرب شد و به فکر چاره‌جویی برای رهایی یافتن از انجام این دستور فرورفت. پس از آن به محمدرضا خان قوام یکی دیگر از دست‌نشاندگان وابستگان به دولت انگلستان – تا حدی که از او به «کنیز انگلیسی» تعبیر می‌شدا – متوسل شد تا به هر ترفندی که امکان‌پذیر است، ژنرال انگلیسی را از انجام این فکر نسنجیده و خواسته نادرست باز دارد و متصرف سازد!

محمدرضا خان قوام نزد سایکس رفت و به وی گفت: «خواسته نماینده دولت بریتانیای کبیر محترم و فرمائش مطاع است، اما اگر بخواهید سیداعدام شود

باید اول خود شما و تمام تبعه بریتانیا که در سراسر فارس هستند، بیرون بروید و آن وقت ما سید را اعدام می‌کنیم.» سایکس با تعجب و دهشت پرسید: «برای فارس حتی یهودیان و ارمنه جا و منزلت بس والایی دارد. اگر یک موا سر او کم شود، مردم شورش و شما را قلععه قطعه می‌کنند!» سایکس تأملی کرد و گفت: «پس سید را تبعید کنید.» پس از گفت‌وگو این دو، نهایتاً تصمیم گرفته شد مرحوم آیت‌الله سیدمحمد طاهر طاهری را بدو فرزندش، مرحوم آیت‌الله سیدمحمدجعفر طاهری و مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی به اصفهان تبعید شوند. مرحوم آیت‌الله حاج سید عبدالباقی آیت‌اللهی – که یکی از علمای بزرگ و شخصیت‌های دینی مبرز آن روز بود – به فرمانفرما پیغام داد: «صلاح نیست آقا دو فرزندشان اجتماعاً تبعید شوند، زیرا خانواده ایشان بی‌سپرست است. می‌ماند! حالا که ناچارید از ارباب زندق خود اطاعت کنید لاقلاً آقا سیدعبدالله را برای سپرستی خانواده در شیراز بگذارید.» فرمانفرما جواب فرستاد که: «در باره ایشان حساسیت خاصی

آیت‌الله سیدمحمد طاهر طاهری شیرازی در کنار دو فرزندش آیت‌الله سیدمحمد جعفر طاهری و آیت‌الله سیدعبدالله طاهری شیرازی

## در روز ورود ژنرال سایکس به شیراز، گروه‌هایی از مردم آماده شرکت در مراسم استقبال از ژنرال انگلیسی بودند که با اعلامیه کوبنده و شدیدالحن مرحوم آیت‌الله حاج سیدمحمد طاهر طاهری در نقاط مختلف شهر روبه‌رو شدند. آنان بلافاصله دست از کار کشیدند و بازارها را تعطیل کردند، به‌طوری‌که جز چند دکان نانوایی، مغازه‌ای در شهر باز نماند!

وجود دارد، چون او برای پدرش دستی توانا و مشاوری داناست و باید تبعید شود.» بالاخره مقرر شد آقا سید محمدجعفر را تبعید نکنند و او در شیراز بماند و مرحوم آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی در معیت والد بزرگوارش به اصفهان تبعید شوند.

■ **یورش نظامیان به منزل رهبر حرکت**

میرزا حسنعلی فرمانفرما دستور داد سربازان شب هنگام، به خانه آیت‌الله سیدمحمد طاهر طاهری حمله‌ور شوند و ایشان را با وضع رعب آوری به دارالحکومه ببرند تا از آنجا به اصفهان تبعید شود. که از مسیر حرکت مطلع شدند در محل امامزاده علی بن حمزه – که آن وقت خارج از شهر شیراز بود – اجتماع کردند و به روضه‌خوانی و عزاداری و شعار دادن علیه انگلیسی‌ها و عواملشان پرداختند.

به قول بعضی از شاهدان عینی، صحنه‌ای به وجود آمد که تنها یادآور مراسم سوگوتاری روز عاشورا بود! خصوصاً آن لحظه که فرزند کوچک آیت‌الله را – که در آن وقت بیش از یک سال نداشت – برای تودیع به دست ایشان دادند، موجب تأثر و تألم شدید و به هیجان آمدن احساسات عموم حضار شد. سپس ایشان را در کالسکه ایالتی سوار کردند و در حالی که ۱۲ مأمور مسلح آنان را همراهی می‌کردند، به سوی اصفهان تبعید‌گاه تعیین شده حرکت دادند.

پس از گذشت ساعاتی از حرکت کاروان تبعیدشدگان و در حالی که شهر شیراز را غم، اندوه، اضطراب و خشم فرا گرفته بود و مأموران

# ۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۴۹۳۹

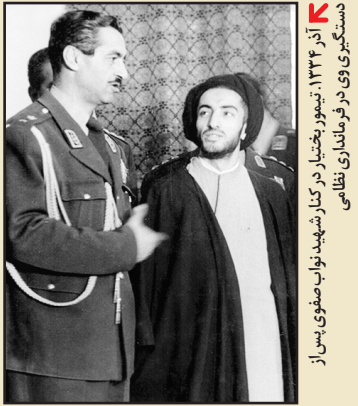
## د

خود را از ژنرال سایکس علنی کردند، تا آنجا که فرمانفرما موج وسیع و گسترده قیام و مخالفت مردم وحشت‌زده و مضطرب شد و مراتب را به اربابان حاکم بر کشور اطلاع داد و در نتیجه دستوری مبنی بر بازگرداندن تبعیدشدگان صادر شد. فرمانفرما به سیوند رفت و به حضور آیت‌الله سیدمحمد طاهر طاهری رسید و از رهبر دینی تبعیدشده و فرزند شجاعش خواست به شیراز بازگردند، مشروط بر اینکه نه وی و نه فرزندش در سیاست مملکت دخالتی نکنند، لیکن آیت‌الله در جواب اظهار کرد: «... اگر ۲۰ سال هم در زندان بمانم و سپس اعدام شوم، هرگز دست از برنامه‌ام برنخواهم داشت و تسلیم اجانب و دشمنان نخواهم شد!»

آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی نیز با اینکه در سنین جوانی بود، در پاسخ به فرمانفرما چنین ابراز کرد: «... دین یعنی پیاده کردن برنامه‌های اصلاحی و مصلح هرگز از زندان و مرگ نمی‌ترسد... نتایجتسا و به‌رغم عدم پذیرش شرایط فرمانفرما از سوی آیت‌الله و فرزندش، مقرر شد این دو بزرگ از محل تبعید خویش، به شیراز مراجعت کنند. مرحوم آیت‌الله حاج سیدعبدالباقی آیت‌اللهی طی اعلامیه‌ای از مردم خواست تا با شرکت در مراسم استقبال از آن رهبر دینی تبعید شده و فرزندش، نسبت به مقام علمی و مبارزاتی آنان ادای احترام کنند و مراسم را باشکوه فراوان برپای دارند. طبقات مختلف مردم و پیشاپیش آنان علما و روحانیون، به خارج از شهر رفتند و در محل «باغچه بانگ» و دور از دروازه قسران – که در آن روزها بسیار دور از شهر بود – متمرکز شدند. نگاه جمعی از علما در معیت آیت‌الله سیدعبدالباقی، به زرقان واقع در ۳۰ کیلومتری شیراز رفتند و از دو تبعیدی از بند رسته استقبالی شایان کردند. آیت‌الله سیدمحمدطاهر و فرزند مجاهد و شجاع ایشان طی مراسم باشکوهی وارد شیراز شدند و در منزلی واقع در پشت مسجد آقا احمد – که از شخصی به نام حاج احمد زرگر برای ایشان اجاره شده بود – جوس نمودند. مرحوم آیت‌الله سیدمحمدطاهر طی اعلامیه‌ای در پایان عمر شریفش، در همان منزل به سر برد.

■ **تداوم مبارزات**

یکی دیگر از رویکردهای مبارزاتی آیت‌الله سیدمحمدطاهر طاهری، قاطعیت او در مورد لزوم تغییر لباس یهودیان و تفاسوت آن با لباس مسلمانان بود. در این باره، پس از اینکه آیت‌الله سیدمحمدطاهر این موضوع را اعلام کرد، مردم



آثار ۱۳۳۳، تصویربخشدار در کنار شهید نواب صفوی از دستگیری وی در زندانهای نظامی

مشکلاتی هستند که رهبری فدائیان اسلام در قم با آنها روبه‌رو بوده‌اند... و اکنون به بیان باره‌ای از این مسائل و نکات در قالب پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران جرآید و مجلات پرداخته‌اند و به عنوان «خاطراتی مستند» حقایق مسائل را روشن می‌سازند.

البته باید اشاره کرد چون این مصاحبه‌ها چه شفافی و چه کتنی در فرصت‌ها، مناسبت‌ها یا فاصله‌های زمانی مختلف انجام گرفته است این امکان وجود دارد در اشاره به برخی از خاطرات و نقل چگونگی حوادث نوعی تکرار وجود داشته باشد که با توجه به اهمیت موضوعاتی می‌تواند در کشف حقایق تاریخی راهگشا باشد.

یادآوری این نکته هم‌بی‌مناسبت نیست که والد ماجد علاوه بر این کتاب مجموعه مصاحبه‌ها و کتاب‌های ارزشمند دیگری نیز درباره فدائیان اسلام و رهبری شهیدان آن به نام‌های «فدائیان اسلام» تاریخ، عملکرد و اندیشه» و «زندگی و مبارزه شهید نواب صفوی» دارند که بارها تجدید چاپ شده و در اختیار عموم قرار گرفته‌اند و این کتاب سومین کتاب راجع به این حرکت تأثیرگذار در جامعه ایرانی و بین مردم مسلمان و نسل جوان با ایمان است.

علاوه بر اینها کتاب پر محتوای دیگری تحت عنوان «میانی فکری – فقهی مبارزات فدائیان اسلام» آماده چاپ شده است که بازنویسی و تکمیل سخنرانی مبسوط ایشان در همایش بزرگداشت شصتمین سال شهادت نواب صفوی است که از سوی مؤسسه تاریخ معاصر در دی ماه سال گذشته، سال ۱۳۹۴ در مرکز فرهنگی سیدالشهدا در تهران برگزار شد و اکنون پس از تکمیل، اضافات و ویرایش در آستانه چاپ مستقل قرار دارد.

هر گونه نقد منطقی یا پیشنهاد اصلاحی را پذیرا هستیم.

امید می‌بریم که انتشار این اثر پژوهشی، محققان تاریخ معاصر، به ویژه دوران نهضت ملی ایران را به یاد و باعث غنای هرچه بیشتر مطالعات و تحقیقات آنان گردد، ان‌شاء‌الله.

والی فارس، سرپرسی سایکس نماینده دولت انگلیس در کنار میرزا حسینعلی فرمانفرما

## د

نظامی در نقاط مختلف شهر به حالت آماده‌باش در آمده بودند، فرمانفرما و دیگر همکارانش ونیز شخص سایکس – که در دارالحکومه به سر می‌بردند و به بررسی اوضاع و عواقب آن سرگرم بودند – به ناگاه به این واقعیت بی‌برند که مردم اصفهان نیز به رهبری مرحوم آیت‌الله حاج آقا جمال اصفهانی در مخالفت با استعمارگران و طرفداری از علمای اعلام و رهبران مذهبی، استوار و برخوردار شدند و با اطلاع یافتن از قیام آیت‌الله سیدمحمدطاهر در برابر استعمار بریتانیا، به وی ارادت خاصی پیدا کرده‌اند و اگر ایشان را به اصفهان ببرند، آنان نه تنها با عوش باز و استقبال گرم مردم این شهر روبه‌رو خواهند شد، بلکه از ورود ایشان حدکثر استنفاده را در جهت متبلور ساختن مواضع ضد استعماری خود خواهند کرد و همچون مردم شیراز، علیه استعمار بریتانیا به پامی خیزند.

■ **تبعیدیان در روستای «سیوند»**

تبعیدکنندگان پس از توجه به این نکته مهم، نظرشان بر گشت و شبانه دستور داده شد آیت‌الله و فرزند شجاعشان را به‌جای اصفهان، به روستایی بین فارس و اصفهان به نام «سیوند» – که تا شیراز ۷۴ کیلومتر فاصله دارد – ببرند و تحت نظر و کنترل شدید بگیرند. آیت‌الله سیدمحمد طاهر و فرزند گرم‌اش، شش ماه در تبعید به سر بردند. طی این مدت در خانه محقری که از سوی حاکم جائر وقت تعیین شده بود، ساکن شدند و مراقب اوضاع بودند. در این مدت پدر، فرزند جلیل‌القدر خود را برای فردای نزدیک بر اساس روحیه انقلابی اسلامی تربیت می‌کرد و در کنار دیگر درس‌های اسلامی، درس جهاد و مبارزه را بیش از آنچه تا آن روز کسب کرده بود، به وی می‌موخت. این دوران برای آن دویزبزرگ به لحاظ اندیشه و نیز پرداختن به مباحث علمی، بس پربار و مؤثر بود.

■ **برنامه تبعید شکست می‌خورد**

در طول مدت تبعید، مردم شیراز به‌تدریج با کسب روحیه مبارزاتی تازه و با تشکل و هماهنگی، انزجار برآستند.

نمایان از خیمه‌های سایکس در اطراف شهر شیراز